**جهان شناسی شیعه**

پدید آورنده : ابراهیم فیاض ، صفحه 2

|  |
| --- |
| 1 ـ جهان شناسی بنیاد هر مکتب و هر دینی است که جهان پدیداری آن دین(جهان بینی) براساس آن شکل می گیرد. جهان شناسی براساس بنیادهای خاصی بنا می شود که «عناصر شناخت شناسی» نام دارد. بنیادی ترین عنصر شناختی تشیع، «معنی» است.  2. براساس این عنصر، جهان سراسر از معانی تشکیل شده و عامل اصلی و حقیقی، عالم معنا است؛ هر چه به آن اصل نزدیک می شویم، معنا خالص تر می شود و هر چه از مبدا معنا دور می شویم، به نشانه و آیه نزدیک می شویم.  3. پس جهان از معنای خالص تشکیل می شود که خداوند و حقیقت تمام است و بقیه آیات او خواهند بود، پس جهان شناسی شیعه براساس معنا و نشانه یا آیه تشکیل می شود که مبنای تعقل و چارچوب سازی فکری یا جهان پدیداری یا جهان بینی قرار می گیرد.  4. مفاهیم تشکیل دهنده جهان پدیداری اند که صورت مفاهیم ذهنی یافته معنا است. پس آنچه تعقل آفریند، همان صورت های ذهنی هستند. بنابراین تعقل نسبت به شهود و درک معنا یک درجه تأخیر دارد.  5. به دلائل یاد شده، عرفان نقش اول معرفت شناختی را به جهان شناسی تشیع دارد، زیرا شهود معنا را به عهده دارد. در مرتبه بعد نشانه شناسی یا آیت شناسی قرار می گیرد که مهم ترین دانش است. اصولی ترین رکن آن نیز زبان شناسی است، چون مهم ترین آیات در زبان تجلی می یابد، به همین دلیل «عرفان و زبان» همراهان قدیمی معرفت بشری اند.  6. رابطه معنا و آیه، بنیادهای فکری جهان شناسی شیعی را تشکیل می دهد؛ چگونه جهان معنا می شود یا آیه حقیقت می شود. رابطه معنا و آیه، زمانی شکل می گیرد که فیض یا افاضه صورت می گیرد. به این ترتیب ولایت وارد نظریه جهان شناسی شیعی می شود.  7. در جهان شناسی شیعی، «دلالت تابع ولایت» است؛ یعنی زمانی «دلالت آیه بر معنا» رخ می دهد که ولایت وجود داشته باشد؛ به دیگر سخن، با ولایت و میزان آن معانی شکل می گیرند، پس انسان با ولایت بیناست و بی ولایت کورمعنا.  8. در این جهان شناسی، جهان یک جهان ارتباطی است که مبادله معنا در آن براساس آیات صورت می گیرد. بزرگ ترین آیه ای که در این مبادله، حضور دارد، انسان کامل یا امام است، چون آیه بزرگ خدا است، پس معنای مطلق و حقیقی خدا، آیت بزرگ حق و انسان کامل است.  9. انسان های دیگر نیز در سایه آیه اتم و اکمل به مبادله معنا می پردازند؛ به عبارت دیگر انسان کامل با یادآوری معنای انسان که حیثیت اصلی اوست، در قالب فطرت انسانی تجلی می یابد، (فطرت به معنای خلقت هدایت یافته یا معنای موجه و جهت یافته) و ارتباطات آن را شکل می دهد: «کل یعمل علی شاکلته».  10. توسعه و پیشرفت جوامع انسانی نیز در قالب توسعه معنایی جامعه شکل می گیرد که در بعد انسانی به صورت فیض معنایی بر انسان، موجب بسط معنایی و نشاط روحی او است. سپس با تخیل انسانی، نشانه سازی صورت می پذیرد که این معنای افاضه شده، در جامعه مبادله می شود؛ یعنی مبادله معنا و ارتباطات ایجاد می شود.  11. رابطه انسان و طبیعت، به همین صورت شکل و تشکل می یابد؛ یعنی طبیعت به یک نظام معنایی خاص تفسیر می شود و انسان به دنبال فهم معانی آن، با توجه به آیت ها و نشانه ها است که این نشانه و معنا در اغلب دانش های تجربی نظام می یابد و ما آن را فرمول ها یا نظریه های علوم می نامیم. که باز هم این معانی با فیض بر انسان های قابل افاضه می شود.  12. رابطه دانش، انسان و طبیعت، براساس این نظریه تمدن آینده بشری را تشکیل می دهد. تمدن آینده بشری تمدن شاهد و مشهود است: «سنریم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین انه الحق»؛ یعنی معانی، با توجه به قابلیت روز افزون بشر بر او افاضه می شود و این هم در آفاق و جغرافیا و تاریخ رخ می دهد و هم در درون نفس انسانی براساس شهود.  13. فیض معنا و فهم آن براساس آیات، با توجه به قابلیت انسانی رخ می دهد، پس جهان شناسی ارتباطی تشیع، براساس مخاطب محوری شکل می گیرد و علم و دانش زمانی فیضان می یابد که نفس تزکیه شده و تربیت یافته است، پس رابطه علم و اخلاق نیز روشن می شود که تزکیه بر تعلیم مقدم است و مبنای نبوت و امامت.  14. این الگو و نظریه، جهان شناسی شیعی را به ما قبل اصالت وجود و اصالت ماهیت می کشاند؛ «یعنی اصالت معنا» و در علوم انسانی به جای اصالت و یا اصالت جامعه، بحث را به اصالت و فرهنگ می کشاند، پس می تواند مبنای معرفتی بسیار مهمی را برای جهان امروز و آینده که جهان رسانه و ارتباطات است، ترسیم کند یا شاید بتواند طرح کلانی برای معرفت شناسی ایرانی در جهان امروز باشد. زیرا به جای آنکه فلسفه مصاف مطرح باشد، عرفان مضاف مطرح می شود. عرفان زبان عرفان علم، عرفان دین، عرفان فلسفه و حتی عرفان عرفان(عرفان داری یک ریشه قوی ایرانی از گذشته تا حال است) |